

# ادبیات فارسی

(قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی)

## ادبیات فارسی

(قافیه، عروض، سبک‌شناسی و نقد ادبی)  
دوره پیش‌دانشگاهی  
رشته‌های علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی



جمهوری اسلامی ایران  
وزارت آموزش عالی  
سازمان آموزش عالی  
مرکز مطالعات اسلامی



قافیه

# راهنمای قافیه

## • یادداشت:

بخش «قافیه» راهروی ورودی به مباحث تخصصی و پیچیده «عروض» است. حرف از «وزن» است که از «فصول ذاتی» شعر به حساب می‌آید و «قافیه» که کتاب درسی آن را «گوش‌نواز» و «شادی‌آور» معرفی می‌کند؛ هر چند مثال‌هایی که آورده کم‌تر گوش‌نوازند و اصلاً هم شادی‌آور نیستند!

با مطالعه‌ی این فصل، مهارت تشخیص قافیه و ردیف، حروف اصلی قافیه، قواعد ساخت قافیه، حروف الحاقی، تبصره‌های قافیه و عیوب قافیه را به دست می‌آوری. تمام که شد، مباحث فرعی آمده‌اند: قافیه‌های میانی، درونی و ذوقافیتین - که پیش‌تر جنبه‌ی «تزیینی» دارند - و دست آخر هم، قافیه در شعر نو.

## • منابع مطالعه:

در راهنمای استفاده از کتاب هم گفتیم که کتاب‌های درسی ادبیات اختصاصی اغلب خوب نوشته شده‌اند و دست کم به طور مشخصی «کم‌غلط‌تر» از کتاب‌های ادبیات رشته‌های غیر علوم‌انسانی‌اند. در «قافیه» هم به کتاب درسی بسنده کن. البته که آشنایی با صامت و مصوت به عنوان مفاهیم پایه‌ای «واحد‌های زبان» در کتاب «زبان فارسی ۳» و آشنایی با مفاهیم وزن و قافیه و انواع هجاها و باز هم صامت و مصوت در مقدمات کتاب آرایه‌های ادبی، بسیار به یاد گرفتن قافیه در دوره‌ی پیش‌دانشگاهی کمک می‌کند.

## • روش مطالعه:

مطالب را به ترتیب کتاب درسی بخوان. حتماً «به ترتیب». بعد از تعاریف و مقدمات، روی حروف اصلی قافیه تسلط پیدا کن. بعد، حروف الحاقی و کارکردهای مختلفش. این‌که هر حرف الحاقی در چه موقعیتی به چه دردی می‌خورد و در کدام قاعده و تبصره جا می‌شود. با یاد گرفتن قواعد و تبصره‌ها و مرور مثال‌ها، نوبت به پرسیدن می‌رسد. در این مورد، خودآزمایی‌های کتاب درسی نمونه‌هایی بسیار مهم، و صد در صد سرمشق طراح کنکورند. نکات آن‌ها را به همه‌ی موارد مشابه تعمیم بده.

## • شگردهای طراحی سؤال:

قبلاً ترها، «قواعد قافیه» موضوع پررنگ در طراحی سؤالات قافیه‌ی کنکور بود. این اواخر، به جز «قواعد»، طراح دست گذاشته روی «شماره»ی تبصره‌ها. آن‌هم هر دو تا دست را! بسیار نمونه داشته که نکته‌ی مورد سؤال، فقط «شماره‌ی تبصره» بوده و البته مصداق «کفگیر به ته دیگ خوردن» است.

خلاصه که، عدد تبصره‌ها را هم باید حفظ کنی.

دیگر این‌که، «عیوب قافیه» را باید در مشکل‌ترین سطح بتوانی نشان بدهی. در بخش «قافیه» برای هر کدام از این موارد، به اندازه‌ی کافی تست آمده است؛ آن‌قدر که نکته به نکته به نکته به مطالب تسلط پیدا کنی.

## • مهارت‌های پاسخ‌گویی:

به هیچ عنوان به «بررسی انتهای بیت‌ها» اکتفا نکن. بیت را باید به طور کامل بخوانی. مهم است؛ به ویژه وقتی بیت با تبصره‌های قافیه درگیر باشد؛ مثلاً با تبصره‌های ۳ و ۶. ردیف و قافیه و حروف قافیه باید تفکیک شوند. این‌جا حتی «معنی» هم اهمیت پیدا می‌کند؛ هرچند، تصور بچه‌ها اغلب این است که قافیه ارتباطی به معنی ندارد. پس همیشه نیم‌نگاهی به معنی داشته باش. آن وقت، رد پای «جناس تام» و تکلیف «ردیف» یا «قافیه» بودن یک کلمه مشخص می‌شود.

در «تزیینی‌ها» - قافیه‌ی میانی، درونی و ذوقافیتین - حواست به «نکته‌های کوچک» باشد. این «نکته‌های کوچک» و «تأثیر بزرگ» آن‌ها را در جلد دوم این کتاب، «پاسخ تشریحی»، می‌خوانی.

# (الهی)

## سراسری



۱- بیت «هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست / دل افسرده غیر از آب و گل نیست» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟ (اقتضای انسانی فارغ از کشور ۸۷)

- ۱) بی اثر مهر چه آب و چه گل
- ۲) نبرد آینه از آینه هرگز زنگار
- ۳) هر کاهو شراب عشق نخورده ست و درد درد
- ۴) خاک آدم که سرشتند غرض عشق تو بود

(اقتضای انسانی ۸۶)

۲- «سخن کز سوز دل تابي ندارد / چکد گر آب از آن آبي ندارد» يعني .....

- ۱) فصاحت و شیوایی سخن بیش از هر چیز به حرارت باطن و عمق اندیشه و احساس گوینده بستگی دارد.
- ۲) بلاغت و رسایی سخن به مهارت سخنور در انتخاب موضوع، ارتباط دارد.
- ۳) سخن فصیح آن است که گوینده با آرایه‌های ادبی آن را آراسته باشد تا مؤثر واقع شود.
- ۴) روانی سخن به سادگی و زیبایی ساختاری واژه‌ها بستگی دارد، نه آهنگ و سوز گفتار.

## تألیفی



۳- کدام گزینه با بیت «سخن کز سوز دل تابي ندارد / چکد گر آب از آن آبي ندارد» تناسب معنایی بیش‌تری دارد؟

- ۱) از سخن حریف سوز آن چه تو آتشین زبان
- ۲) متاب روی ز اهل سخن که طوطی را
- ۳) سخن عشق کجا حوصله‌ی عقل کجا؟
- ۴) فروغ بزم سخن ز آتش دل است، آری!

۴- کدام گزینه با بیت «هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست / دل افسرده غیر از آب و گل نیست» تناسب معنایی بیش‌تری دارد؟

- ۱) بردار پرده جانا، بنما حقیقت جان
- ۲) زان رخ مناز چندین، دانی که در جوانی
- ۳) چون می‌گشی رهاکن تا پای تو ببوسم
- ۴) دل چیست؟ مرده چوبی، چون سوز عشق نبود

۵- کدام گزینه با بیت «به راه این امید پیچ در پیچ / مرا لطف تو می‌باید دگر هیچ» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) به گیتی نداریم غیر از تو کس
- ۲) از کرم در من بیچاره نظر کن نفسی
- ۳) بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم
- ۴) جز لطف تو ام که دست گیرد؟

۶- کدام گزینه با بیت «هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست / دل افسرده غیر از آب و گل نیست» تناسب معنایی کم‌تری دارد؟

- ۱) گر دل نبود کجا وطن سازد عشق؟
- ۲) ز دوست گر همه تیر بلا رسد ای دل!
- ۳) دل که در وی نباشد آتش عشق
- ۴) هر دلی کز عشق ماهی اندر او راهی نباشد

۷- کدام گزینه به مفهوم متفاوتی اشاره دارد؟

- ۱) گر مهر نوزد چه کند جان در تن؟
- ۲) دل ز بنید غم دمی آزاد نیست
- ۳) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست
- ۴) دل مانع خانگی عشق است

## آزمایشی سنجش



(سنجش انسانی ۹۱)

۸- بیت «سخن کز سوز دل تابي ندارد / چکد گر آب از آن آبي ندارد» يعني .....

- ۱) رنگ رخساره خبر می‌دهد از سز درون
- ۲) سخن فصیح و تازه از سوز و گداز عشق بی‌بهره است.
- ۳) فصاحت و شیوایی کلام تحت تأثیر تازگی و ابتکار موضوع آن است.
- ۴) ارزش و اعتبار سخن بیش از هر چیز به حرارت درون و احساس گوینده بستگی دارد.

# [درس اول]

● شعر، وزن، قافیه ●

● مصوّت و صامت ● قافیه‌ی شعر فارسی ● قواعد قافیه (الف)



۹- «ردیف» در بیت زیر کدام است؟

«ای یار ناسامان من! از من چرا رنجیده‌ای؟

(۱) رنجیده‌ای؟

(۲) من! از من چرا رنجیده‌ای؟

۱۰- در کدام گزینه به «واژگان قافیه»ی بیت زیر اشاره شده است؟

«ز بس که طاعت خلق جهان خدایی نیست

(۱) آن و جهان (۲) نیست و نیست

۱۱- کدام بیت «مردّف» نیست؟

(۱) این عمر به ابر نوبهاران مانند

(۲) گزید از غنیمت ظرایف بسی

(۳) ای نقش بسته نام خطت با سرشت ما

(۴) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را

۱۲- کدام بیت «مردّف» نیست؟

(۱) در این دریا چه ماهی و چه خرچنگ

(۲) بگویند ای رفیقان ساربان را

(۳) چشم ما آبش به هر سو می‌رود

(۴) گفت ای دیوانه‌ی ارباب عشق

۱۳- کدام بیت «مردّف» نیست؟

(۱) ماه تابان است و هم‌چون روی تو تابنده نیست

(۲) دل‌ها بر بودند و رفتند سواران

(۳) ز باران جمع گردد خاطر آشفته مستان را

(۴) خنده بر حال گران‌باران دنیا می‌زنم

۱۴- کدام بیت «مردّف» نیست؟

(۱) دلارام، در بـ دلارام جـ

(۲) جان بی جمال جانان میل جهان ندارد

(۳) برو هرچه می‌بایدت پیش گیر

(۴) دریاب که مبتلای عشقم

۱۵- کدام بیت «مردّف» نیست؟

(۱) روز وصل دوستداران یـاد باد

(۲) کارم همه ناله و خروش است امشب

(۳) در راه تو کار سخت مشکل دارم

(۴) الفرض صاحب‌دل روشن‌روان

۱۶- قافیه‌ی کدام بیت بر اساس قاعده‌ی (۱) ساخته شده است؟

(۱) مژده بده مژده بده یار پسندید مرا

(۲) فتح و ظفر و نصرت و فیروزی و اقبال

(۳) نه صبر و توان و تـاب دارم

(۴) سرگشته‌وار بر تو گمان خطا برم

۱۷- «قاعده‌ی ساخت قافیه» در کدام گزینه متفاوت است؟

(۱) بی روی تو خوش کردم من تلخی هجران را

(۲) روز عید است به من ده می نابی چو گلاب

(۳) بی شاهد رعنا به تماشا نتوان رفت

(۴) دل مسکین من در بند مانده‌ست

وی درد و ای درمان من! از من چرا رنجیده‌ای؟

(۳) چرا رنجیده‌ای؟

(۴) از من چرا رنجیده‌ای؟

قضا کنند نمازی که آن ریایی نیست

(۳) خدایی نیست و ریایی نیست (۴) خدایی و ریایی

این دیده به سیل کوهساران مانند

کز آنسان نبیند طرایف کسی

این حرف شد ز روز ازل سرنوشت ما

که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را

که هر یک گوهری دارند در چنگ

که امشب باز دارد کاروان را

آب روی ماست بر رو می‌رود

جرعه‌ای گیر از شراب نـاب عشق

ابر باران است و هم‌چون چشم من بارنده نیست

ما پای به گل در شده زین اشک چو باران

رگ ابری کند شیرازه این جمع پریشان را

از سبک‌باری چو کف بر قلب دریا می‌زنم

لب از تشنگی خشک برطرف جوی

هرکس که این ندارد حقاً که آن ندارد

سر ما نداری، سر خویش گیر

آزاد کن از بـ تلای عشقم

یـاد باد آن روزگاران یـاد باد

نی صبر پدید است و نه هوش است امشب

دل نیست پدید و صد غم دل دارم

آن گل پژمرده چید و شد روان

سایه‌ی او گشتم و او برد به خورشید مرا

با عزّ خداوند قرین بودند امسال

نه راحت و خـورد و خواب دارم

بی آن‌که هیچ راه به چون و چرا برم

با شربت دیدارت بدخو نکنم جان را

که از آن جام شود تازه‌ام این جان خراب

بی سرو خرامنده به صحرا نتوان رفت

اسیر یـار شـگـر خند مانده‌ست

### ۱۸- «قاعده‌ی ساخت قافیه» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) شهبازارانی که فتح قلعه‌ی دین کرده‌اند
- (۲) مست زیر بار محمل می‌رود
- (۳) پرده‌دار و حاجب و دربان نمی‌باشد مرا
- (۴) چه شد که دامن یار از کفم رها گردید؟

### ۱۹- «قاعده‌ی ساخت قافیه» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) گه رخت به مرغزار بردی
- (۲) دست کوتاهم اگر منظور چشم او شود
- (۳) ماییم که از پادشهان باج گرفتیم
- (۴) نه مرا خواب به چشم و نه مرا دل در دست

### آزمایشی سنجش



### ۲۰- قافیه‌ی همی بیت‌ها، به‌استثنای بیت ..... طبق قاعده‌ی (۱) است.

- (۱) آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟
- (۲) عهد بشکستی و من بر سر پیمان بودم
- (۳) میل بین کآن سرو بالا می‌کند
- (۴) ما چو ناییم و نوا در ما ز توست

### ۲۱- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) ای نفیس خرم باد صبا
- (۲) ای چشم تو دل‌فریب و جادو
- (۳) دلم خانه‌ی مهر یار است و بس
- (۴) علم دولت نوروز به صحرای برخاست

### ۲۲- قافیه‌ی کدام بیت، طبق قاعده‌ی (۱) است؟

- (۱) برآمد قیرگون ابی ز روی نیلگون دریا
- (۲) چون ناکسان ننگ سلامت ماند بر ما
- (۳) ناگهان انداخت او خشتی در آب
- (۴) هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست

### ۲۳- قافیه‌ی کدام بیت، طبق قاعده‌ی (۱) است؟

- (۱) به قدر هنر جست باید محل
- (۲) تیغ بر لیلی کجا باشد روا
- (۳) گر من و صد هم‌چو من گردد هلاک
- (۴) یکی بی‌خود از خشمناکی چو مست

### ۲۴- قافیه‌ی همی بیت‌ها، به‌استثنای بیت ..... طبق قاعده‌ی (۱) است.

- (۱) حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت
- (۲) عمری ست تا به راه غمت رو نهاده‌ایم
- (۳) کس نیست که افتاده‌ی آن زلف دوتا نیست
- (۴) گر می‌فروش حاجت رندان روا کند

### ۲۵- قافیه‌ی همی بیت‌ها، به‌غیر از بیت ..... طبق قاعده‌ی (۲) است.

- (۱) ای صباگر سوی تبریز افتدت روزی گذر
- (۲) چند گفتم که فراموش کنم صحبت یار
- (۳) رفتی و دل ربودی یک شهر مبتلا را
- (۴) هر که هم‌چون من و تو از عدم آمد به وجود

### ۲۶- در همی ابیات، به‌غیر از بیت ..... قافیه طبق قاعده‌ی (۱) آمده است.

- (۱) عشق بیفشرد پا بر نمط کبریا
- (۲) آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا؟
- (۳) یار بد مار است هین بگریز از او
- (۴) درخت زرد شد و آسمان به قیر نشست

التماس همت از دل‌های مسکین کرده‌اند  
بای‌کوبان سوی منزل می‌رود  
خانه چون آینه، بی مهمان نمی‌باشد مرا  
که بوی گل نتواند ز گل جدا گردید

وز غم دل روزگار بردی  
آستین من کمند گردن آهو شود  
زان پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم  
چشم و دل هر دو به رخسار تو آشفته و مست

بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟  
شاگرد نعمت و پرورده‌ی احسان بودم  
سرو بین کاهنگ صحرای می‌کند  
ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست

از بر یار آمده‌ای مرحبا  
در چشم تو خیره چشم آهو  
از آن می‌نگجد در آن کلین کس  
زحمت لشکر سرما ز سر ما برخاست

چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا  
تاوان این خون تا قیامت ماند بر ما  
بانگ آب آمد به گوشش چون خطاب  
دل افسرده غیر از آب و گل نیست

بلندی و نحسی مکن چو زحل  
جان مجنون باد لیلی را فدا  
چون که لیلی را بقا باشد چه باک  
یکی بر زمین می‌زند هر دو دست

آری به اتفاق، جهان می‌توان گرفت  
روی و ریای خلق به یکسو نهاده‌ایم  
در رهگذر کیست که دامی ز بلا نیست  
ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند

سوی درگاه شه عادل رسان از ما خبر  
یاد او می‌دهم رنگ گل و بوی بهار  
تا کی کنیم بی تو صبری که نیست ما را  
همه دانند که از بهر سجود آمد و جود

بُرد به دست نخست، هستی ما را ز ما  
بی‌وفا حالا که من افتاده‌ام از پا چرا؟  
تا نریزد بر تو زهر آن زشت‌خو  
هوا دژم شد و دی‌ماه جای تیر نشست

(سنجش انسانی ۸۹)

(سنجش انسانی ۸۹)

(سنجش انسانی ۸۸)

(سنجش انسانی ۸۸)

(سنجش انسانی ۸۸)

(سنجش انسانی ۸۷)

(سنجش انسانی ۸۷)



(سنجش انسانی ۸۷)

شــــــــــــادان و بفراشـــــــــــــته آوا را  
در چشم تـو خیره چشــم آهـــو  
چو داننا شو ی زود والا شـوی  
از آن می نگنجـد در آن کـمین کس

(سنجش انسانی ۸۷)

میاور به جان من و خود گزند  
بوسه زن بر خاک آن وادی و مشکین کن نفس  
چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست  
خود شکن آینه شکستن خطاست

(سنجش انسانی ۸۶)

ببر درگه او شهان نهادندی رو  
تو روح مجرّدی ببر افلاک شوی  
کسی غیر از غم دیرین، به یاد ما نمی افتد  
خاصه بسپارید و بک آن شما

(سنمیش انسانہ ۸۶)

در چشم تو خیره چشم آهو  
که کس مباد ز کردار ناصواب خجل  
که به ما می‌رسد زمان وصال  
گرم تو دوستی از دشمنان ندارم پاک

(سنجش انسانی ۸۶)

در چشم تو خیره چشم آهو  
یک نکته از این معنی گفتم و همین باشد  
یادم از کشته‌ی خویش آمد و هنگام درو  
خط عارضش، خوشتر از خط دست

(سنمیش انسانہ ۸۵)

واندین کار دل خویش به دریا فکنم  
به نزدیک خورشید فرمان روا  
ندانم که نرگس چرا شد درم  
سقف چون باشد معلق بر هوا

۲۷- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

(۱) ای روی داده صـحبت دنیـا را  
(۲) ای چشم تو دل فریب و جـادو  
(۳) بـدان کـوش تا زود دانـا شـوی  
(۴) دلم خانـه‌ی مـهر یـار اسـت و بـس

۲۸- قافیه‌ی همه‌ی بیت‌ها، به غیر از بیت ..... به صورت

(۱) مکن شهریارا دل مانزند  
(۲) ای صباگر بگذری بر ساحل رود ارس  
(۳) نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست  
(۴) آینه از نقش تو نمود راست

۲۹- قافیه‌ی کدام بیت، طبق قاعده‌ی (۲) است؟

(۱) آن قصر که با چرخ همی‌زد پهلوی  
(۲) ای دل ز غبار جسم اگر پاک شوی  
(۳) به سوی ما، گذار مردم دنیا نمی‌افتد  
(۴) چنان گفتند یک خانه به ما

۳۰- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

(۱) ای چشم تو دل‌فریب و جادو  
(۲) به عهد گل شدم از توبه‌ی شراب خجل  
(۳) خوش خبر باشی ای نسیم شمال  
(۴) هزار دشمنم از مرگ‌کنند قصد هلاک

### ۳۱- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

(۱) ای چشم تو دل فریب و جادو  
(۲) کی شعر تر انگیزد خاطر که حزن باشد؟  
(۳) مزرع سبز فلک دیدم و داس مَه نو  
(۴) نگو نام و صاحب دل و حق پرست

۳۲- قافیه‌ی کدام بیت، طبق قاعده‌ی (۲) است؟

(۱) دیده دریا کنم و صبر به صحرای فکنم  
(۲) سرشک هوا بر زمین شد گوا  
(۳) من از ابر بینم همی باد و نم  
(۴) هر یکی دیوار اگر باشد جدا

## درس دوم

● قواعد قافده (ب) ●

## سراسری



(اختصاصی انسان، ۹۰)

۳۳- با توجه به تبصره‌های هفت‌گانه، قافیه در کدام بیت متفاوت با دیگر ابیات است؟

کار آن شیر غلط بین می‌کند  
یا بگیریم یا بگویم چون کنم  
رحمت کن مهر من در دل نشان  
تا نژدگی خوری از وی ببری

(۱) هر که دندان ضعیفی می‌کند  
(۲) من میان گفت و گریه می‌تنم  
(۳) رنگ رو از حال دل دارد نشان  
(۴) آن که به کارش کشی از وی خوری

(اختصاصی انسان، ۸۹)

۳۴- شاعر در سرودن کدام بیت، طبق تبصره‌ی (۳)، خود را ملزم به رعایت قواعد دوگانه‌ی قافیه نمی‌داند؟

حسرت جان‌ها و رشک دیده‌اند  
پس کمال پادشاهی کی بدی  
نیش‌گر گردید ازو گرچه نیید (نی‌اید)  
سیرینه‌ان دارد و یای روان

(۱) بنگر آن‌ها را که آخر دیده‌اند  
(۲) پس بماندی لطف، بی قهر و بدی  
(۳) پیش او آیید اگر خاین نبیند  
(۴) کو درون خویش چون جان و روان

### ۳۵- با توجه به قاعده‌ی (۲)، قافیه‌ی کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) پهلوان چَهِ را چو زه پنداشسته
- (۲) جوقِ پروانه دو دیده دوخته
- (۳) فضلِ آن آتش شنیده هر رَمه
- (۴) هم زبان و محرم خود یافتند

(افتماضی انسانی فارغ از کشور ۸۹)

شوره‌اش خوش آمده، حبّ کاشته  
مانده زیر شمع بد پر سوخته  
هر شرر را آن گمان برده همه  
پیش او یک‌یک به جان بشتافتند

(افتماضی انسانی ۸۸)

یا چه کردم که نگه باز به من می‌کنی  
کار چراغ خلوتیان باز درگرفت  
بیا بین که در این غم چه ناخوشم بی‌تو  
شمع چنین نیامده‌ست از در هیچ مجلسی

(افتماضی انسانی ۸۷)

توبه سایه‌ست و تو ماه روشنی  
منم که دیده نیالوده‌ام به بد دیدن  
بنیاد مکر با فلک حقّه باز کرد  
به مویه‌های غریبانه قصّه پردازم

(افتماضی انسانی فارغ از کشور ۸۷)

عمر رفته ره به سر نابرده گیر  
ختم کرده بهتری و مهتری  
جوشش عشق است کاندلر می فتاد  
تو مگر از شیشه روغن ریختی؟

(افتماضی انسانی فارغ از کشور ۸۷)

پس چه مشغولی به جنگ دیگران؟  
هر یکی با هم مخالف در اثر  
هر یکی با دیگری در جنگ و کین  
تا بینشی در تجلّی روی من

(افتماضی انسانی ۸۶)

شبنمی از عشق بر آن ریختند  
خانمان ضعیفا سوخته‌اند  
خیره مکن ملامت چندینم  
که گویی آهویی سر در کمندم

(افتماضی انسانی فارغ از کشور ۸۶)

تنی چو نال نزار و قدی چو چنگ دوتااست  
اثر پرداز داغم، حرف صاحب‌درد را مانم  
چون نگاه آشنا از چشم یار افتاده‌ام  
ضعف تن از تحمل رطل گران گذشت

(افتماضی انسانی فارغ از کشور ۸۵)

تا در این سودا برآید جان شیرین بر لب است  
به دام عشق درافتاد هر چه بادا باد  
که جای عقل نباشد دماغ عاشق مست  
بر در چه باک دشمن اگر دوست در بر است؟

(افتماضی انسانی ۸۴)

ذکرش همه این است که گم گشته دلم کو  
آرام جان او مشو، آزار جان ما مکن  
به زیر سایه‌اش بنشین، قیامت را تماشا کن  
ملامت همی چون کنی خیر خیرم

### ۳۶- قافیه در کدام بیت، متفاوت با دیگر ابیات است؟

- (۱) من چرا دل به تو دادم که دلم می‌شکنی؟
- (۲) ساقی! بیا که یار ز رخ پرده برگرفت
- (۳) بیا که در غم عشقت مشوشم بی‌تو
- (۴) یار گرفته‌ام بسی، چون تو ندیده‌ام کسی

### ۳۷- در کدام بیت قافیه دارای حروف الحاقی نیست؟

- (۱) سبلتانِ توبه یک یک برکنی
- (۲) منم که شهره‌ی شهرم به عشق ورزیدن
- (۳) صوفی نهاد دام و سر حقّه باز کرد
- (۴) نماز شام غریبان چو گریه آغازم

### ۳۸- در کدام بیت قافیه دارای حروف الحاقی نیست؟

- (۱) بر سر آن گنج خود را مرده گیر
- (۲) کای سبق برده ز ما در رهبری
- (۳) آتش عشق است کاندلر نی فتاد
- (۴) از چه ای گل با گلان آمیختی؟

### ۳۹- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) می‌نگر در خود چنین جنگ گران
- (۲) هست احوالم خلاف هم‌دگر
- (۳) موج لشکرهای احوالم ببین
- (۴) که بیا من باش یا هم‌خوی من

### ۴۰- قافیه‌ی کدام بیت به شکل «مصوّت + صامت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟

- (۱) خاکِ دل آن روز که می‌بیختند
- (۲) آتشی قهر برافروخته‌اند
- (۳) گر مستمند و با دل غمیکنم
- (۴) چنان در قید مه‌رت پای‌بندم

### ۴۱- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر تفاوت دارد؟

- (۱) مرا که هم‌چونی از آه و ناله برگ و نواست
- (۲) دلیل کاروان اشکم آه سرد را مانم
- (۳) روزگاری شد ز چشم اعتبار افتاده‌ام
- (۴) پیری رسید و موسم طبع جوان گذشت

### ۴۲- حروف قافیه‌ی کدام بیت «مصوّت + صامت + صامت» است؟

- (۱) با رخ و زلف تو دل را روز بازار امشب است
- (۲) دلم که چون سر زلف تو می‌رود بر باد
- (۳) مکن ملامتِ دُردی‌کشان باده‌پرست
- (۴) تو بر درّ و دیده‌ی بدخواه بر در است

### ۴۳- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با دیگر ابیات، متفاوت است؟

- (۱) هر کس که نهد پای بر آن خاک سر کو
- (۲) شبها به بزم مدّعی ای بی‌مروت جا مکن
- (۳) ز صحن این چمن آن سروقامت را تمنا کن
- (۴) اگر بر تنِ خویش سالار و میرم



(اقتضای انسانی ۸۳)

باد سر تا پای من قربان سر تا پای تو  
صبرست دوی من و دردا که مرا نیست  
ز سر برآمده در پا افتاده رفته ز دست  
مددی که چشم مستت به خمار کشت ما را

(اقتضای انسانی ۸۲)

زبان من فروبستی، زبان دانی مکن چندین  
بی آن که هیچ رخنه در دوستداری آمد  
که دل از من ببری با دگری پیوندی  
چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

دگر آن جا که روم عاقل و فرزانه روم  
دستگاه صبر و پایاب شکیبایم نیست  
باد غیرت به صدش خار پریشان دل کرد  
بیا که چشم بیمار هزاران درد برچینم

در هیچ سر خیالی زمین خوبتر نباشد  
افتاده در رمه رمه رفته به شب چره  
واقف اسرار خفیی و جلی  
دگر با یادم آوردی قدیمی صحبت یاران

در دست گرفتگیه جام باده  
مبادا در جهان یک قطره باران  
چه کنم؟ باز گرفتار شدم در هوسی  
دست گیرید مرا زمین فلک بی سر و پای

خانم من ضعیفا سوخته اند  
بر جوی بریده پل شکستند  
شب نمی از عشق بر آن ریختند  
خیره مکن ملامت چندینم

دشمن از دوست ندانسته و نشناخته ای!  
از همه باز آمدیم و با تو نشستیم  
با خرابات آشناییم، از خرد بیگانه ایم  
که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی

خونم به خاک ریخت بهار این چنین خوش است  
حسن مستور تو را جز تو تماشایی نیست  
و چه کار است این که از جانان برآمد مرا  
انوار دوست دیدن زان رخ نکوست ما را

بر دل و جان ناز را چندین تقاضایی چه بود؟  
که سر می پیچد از یوسف ترازویی که من دانم  
این شب کوتاه از افسانه ای ما شد بلند  
در چشم تو خیره چشم آهو

#### ۴۴- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- (۱) ای سر سودایی من رفته در سودای تو
- (۲) بیمار غمت را به جز از صبر دوا نیست
- (۳) دلی چو زلف تو سر تا به پای جمله شکست
- (۴) ز شراب لعل نوشین من رند بی‌نوا را

#### ۴۵- تعداد حروف مشترک قافیه در همه‌ی ابیات زیر، به جز بیت ..... یکسان است.

- (۱) نگارینا دلم بُردی، فسون خوانی مکن چندین
- (۲) دیدی که از غم تو بر من چه خواری آمد
- (۳) ندهم من به تو دل گر چه بت دل‌بندی
- (۴) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی



#### ۴۶- در کدام بیت، قافیه دارای حروف الحاقی نیست؟

- (۱) گر ازین منزل غربت به سوی خانه روم
- (۲) با فراق چند سازم؟ برگ تنه‌ایم نیست
- (۳) بلبل خن خون دلی خورد و گلی حاصل کرد
- (۴) به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم

#### ۴۷- در کدام بیت قافیه دارای حروف الحاقی نیست؟

- (۱) ما را به جز خیالت فکری دگر نباشد
- (۲) گرگ آمده‌ست گرسنه و دشت پر بره
- (۳) شاه‌سوار صف هیچ‌جا، علی
- (۴) دلا خوش کرده‌ای منزل به کوی وصل دلداران

#### ۴۸- قافیه‌ی کدام گزینه فاقد حروف الحاقی است؟

- (۱) سرمست بتی لطیف و ساده
- (۲) چو بسپردم من اندر تشنگی جان
- (۳) در دلم بود کز این پس ندهم دل به کسی
- (۴) آخر ای قوم نه از بهر من از بهر خدای

#### ۴۹- قافیه‌ی کدام بیت، طبق الگوی «مصوّت + صامت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟

- (۱) آتش قهر برافروخته‌اند
- (۲) چون راه دیوار دوست بستند
- (۳) خاک دل آن روز که می‌بختند
- (۴) گر مستمند و با دل غمی‌نم

#### ۵۰- قافیه‌ی کدام بیت، طبق الگوی «مصوّت + صامت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟

- (۱) ای که شمشیر جفا بر سر ما آخته‌ای!
- (۲) ما در خلوت به روی خلق بیستیم
- (۳) ساقیا! می ده! که ما دُردی‌کش میخانه‌ایم
- (۴) همه عمر برندارم سر ازین خمار مستی

#### ۵۱- قافیه‌ی کدام بیت بر اساس قاعده‌ی (۱) ساخته شده است؟

- (۱) نقشم به باد داد نگار این چنین خوش است
- (۲) هیچ‌کس غیر تو در پرده‌ی بینایی نیست
- (۳) این چه روز است این که یار از در درآمد مرا
- (۴) ای از رخ تو روشن انوار دوست ما را

#### ۵۲- قافیه‌ی کدام بیت بر اساس قاعده‌ی (۲) ساخته شده است؟

- (۱) چون تو مستغنی ز دل بودی دل‌آرایی چه بود؟
- (۲) کجا مایل به هر دل گردد ابرویی که من دانم؟!
- (۳) حرف آن زلف از دل دیوانه‌ی ما شد بلند
- (۴) ای چشم تو دل‌فریب و جادو

### ۵۳- قافیه‌ی تمام بیت‌ها بر اساس قاعده‌ی (۲) ساخته شده‌اند، به جز ..... .

ز غفلت آسمان‌ها پرده‌ی خواب است پنداری  
ز عشق روی تو در سر خمارها دارم  
ذکرت انیس خلوت و تنهایی زبان  
نامه‌ی ویس گل‌اندام به رامین که بَرَد؟

(۱) زمین از دامن تر عالم آب است پنداری  
(۲) بیا که با سر زلف تو کارها دارم  
(۳) ای التفات نام توگیرایی زبان  
(۴) قصه‌ی غصه‌ی فرهاد به شیرین که بَرَد؟

### ۵۴- قاعده‌ی قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

از بی‌دستی ز پا فتلادم، دس‌تی  
توان به دیده شنیدن فسلانه‌ای که ندارم  
جان رخ نهاده بر رخ زیبای او بخفت  
کز او بوی خوش گیسوی آن دلدار می‌آید

(۱) شاه‌ها به در تو رو نهادم، دس‌تی  
(۲) بین به ساز و مپرس از ترانه‌ای که ندارم  
(۳) امشب که چشم من به ته پای او بخفت  
(۴) ندانم تا چه باد است این‌که از گلزار می‌آید

### ۵۵- قاعده‌ی قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

فتنه را باز این چه آیین می‌دهی؟  
بر قاضی به درگاه تو آییم  
سرچشمه‌ی آب زندگانی می‌ایم  
چون جان من خدنگ بلا را نشانه نیست

(۱) ای که تاراج دل و دین می‌دهی!  
(۲) چو ما این بند مشکل برگشاییم  
(۳) مفتاح در گنج معانی می‌ایم  
(۴) ناوک‌زنی چو غمزه‌ی او در زمانه نیست

### ۵۶- قاعده‌ی قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

دیده از حق نمک بست و نمکدان را شکست  
چه شود روزی اگر یادگدایی بکند  
با خلق به خلق زندگانی می‌کن  
روح بازآید و با جسم قرار می‌بکند

(۱) خط سنگین دل بهای لعل جانان را شکست  
(۲) آن‌که هر شب به دلم آید و جایی بکند  
(۳) نیکی همه‌وقت تا توانی می‌کن  
(۴) بر سر خاکم اگر یار گذاری بکند

### ۵۷- قاعده‌ی قافیه در کدام بیت، متفاوت است؟

بساط دوستداری چیدن و واچیدنی دارد  
عاقل از بالای جاهل زردرویی می‌کشد  
از هواداران دریایم ما هم چون حباب  
لب خاموش، دیوار گلستان است دل‌ها را

(۱) به ذوق آشتی از دوستان رنجیدنی دارد  
(۲) از سر پُرآرزو دل زردرویی می‌کشد  
(۳) گر به ظاهر بادپیمایم ما هم چون حباب  
(۴) دهن بستن ز آفت‌ها نگهبان است دل‌ها را

### ۵۸- قاعده‌ی قافیه در کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

واپس‌ی از کاروانی مانده است  
ساقی به خم می‌بنشان تا گلو مرا  
یا دل بر ما فرست یا دلبر ما  
گر کافر و گبر و بت‌پرستی باز

(۱) رفته عمر و نیم‌جانی مانده است  
(۲) دیگر به کار ناید رطل و سبو مرا  
(۳) نه دل بر ما، نه دلبر اندر بر ما  
(۴) باز بازار هر آن چه هستی باز

### ۵۹- قاعده‌ی قافیه‌ی کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

چون زهره‌ی آن نیست که با یار بگویم  
رفتند چو هوش از سر سودایی من  
رنگی در این بهار نیامد به روی ما  
نقش پایی چند از طاووس بر جا مانده است

(۱) هر دم غم خود با دل افکار بگویم  
(۲) یاران عزیز و نور بینایی من  
(۳) آمد خزان و تر نشد از می‌گلوی ما  
(۴) از جوانی داغ‌ها بر سینه‌ی ما مانده است

### ۶۰- قاعده‌ی قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

و آن پرسش زمان به زمان گویا نبود  
آن نوا نیز ز جاییست که من می‌دانم  
بهبود زان دو نرگس بیدارم آرزوست  
دانم که ندانی از جدایی چونم

(۱) عهدی که بود با منت، آن گویا نبود  
(۲) باز دل مست نواییست که من می‌دانم  
(۳) بیمار درد عشق و پرستارم آرزوست  
(۴) ای بی‌خبر از محنت روزافزونم!

### ۶۱- قاعده‌ی قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

دین من این است و بس، کیست که در دین ماست؟  
دو بند زلف تو زنجیر رستگارانند  
نور ذات جبروتیم که در اشیایم  
دشمنی‌ها کرد با من در لباس دوستی

(۱) مستی و عشق از ازل، پیشه و آیین ماست  
(۲) دو چشم مست تو فرهنگ هوشیارانند  
(۳) گوهر گنج حقیقت به حقیقت می‌ایم  
(۴) بهر هر یاری که جان دادم به پاس دوستی